



RESEARCH ARTICLE

Investigating the Effect of Political Regime & Natural Resources on the Quality of Economic Governance

Reza Bakhshiani¹, Masoud Nili^{2*}, S. Mahdi Barakchian³

1- PhD Student of Economics at Sharif University of Technology, Tehran, Iran

2- Associate Professor of Economics at Sharif University of Technology, Tehran, Iran

3- Assistant Professor of Economics at Institute for Management & Planning Studies, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: M.nili@sharif.ir

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2022.89540>

Received: 18 April 2022
Accepted: 30 July 2022

ABSTRACT

Is the type of political regime effective in shaping the resources curse & weakening the performance of economic governance? By formulating an analytical framework & presenting empirical results, it is shown that the presence of natural resources in democratic regimes has not had a negative effect. Rather, the quality of democracy has been a determining factor in the formation of economic governance. In contrast, the presence of natural resources in centralized dictatorships has had a negative effect on the quality of economic governance. But such an effect is not seen in decentralized dictatorships where political power is divided among members of the ruling group. The results show that in addition to the type of political regime, the type of natural resource is also effective in the formation of the resources curse. Sensitivity analysis indicates the stability of the results to the dependent variable change, the addition of control variables, & the sample change.

Keywords: Political Regime, Resource Curse, Economic Governance, Democracy, Dictatorship.





مقاله پژوهشی

بررسی اثر نظام سیاسی و منابع طبیعی بر کیفیت حکمرانی اقتصادی

رضا بخشی آنی^۱، مسعود نیلی^{۲*}، سید مهدی برکچیان^۳

۱- دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران

۲- دانشیار علوم اقتصادی دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران

۳- استادیار علوم اقتصادی موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، تهران، ایران

* رایانامه نویسنده مسئول: M.nili@sharif.ir

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2022.89540>

تاریخ دریافت: ۲۹ فروردین ۱۴۰۱
تاریخ پذیرش: ۸ مرداد ۱۴۰۱

چکیده

آیا نوع نظام سیاسی در شکل‌گیری پدیده شومی منابع طبیعی و تضعیف عملکرد حکمرانی اقتصادی موثر است؟ با تدوین یک چارچوب تحلیلی و ارائه نتایج تجربی نشان داده می‌شود که حضور منابع طبیعی در نظام‌های دموکراسی، اثر منفی بر کیفیت حکمرانی اقتصادی نداشته‌است. بلکه کیفیت دموکراسی عامل تعیین‌کننده در شکل‌گیری کیفیت نهادهای مرتبط با حکمرانی اقتصادی بوده‌است. درمقابل، حضور منابع طبیعی در نظام دیکتاتوری متمرکز که قدرت سیاسی به طور انحصاری در اختیار یک فرد قرار دارد، اثر منفی بر کیفیت حکمرانی اقتصادی داشته‌است اما چنین اثری در دیکتاتوری‌های غیرمتمرکز که قدرت سیاسی بین اعضا گروه حاکم تقسیم شده‌است، مشاهده نمی‌شود. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد در کنار نوع نظام سیاسی، نوع منبع طبیعی نیز در شکل‌گیری پدیده شومی منابع موثر است. تحلیل حساسیت بیانگر پایداری نتایج نسبت به تغییر متغیر وابسته، افزودن متغیرهای کنترل و تغییر نمونه است.

واژگان کلیدی: نظام سیاسی، شومی منابع، حکمرانی اقتصادی، دموکراسی، دیکتاتوری.

مقدمه

وابستگی به منابع طبیعی می تواند عملکرد اقتصادی کشورهای برخوردار از این منابع را تضعیف کند. این پدیده که «شومی منابع طبیعی» نامیده می شود، طی سال های اخیر با وقوع شوک های قیمتی نفت و منابع طبیعی مورد توجه محققین و پژوهشگران قرار گرفته است. در ادبیات این حوزه عواملی چون بیماری هلندی (Sachs, & Warner, 2001)، ضعف سرمایه انسانی (Gylfason, 2001)، نرخ پایین سرمایه گذاری (Gylfason, & Zoega, 2006)، و رانت جوایی (Auty & Gelb, 2001) به عنوان ساز و کارهای شکل دهنده پدیده شومی منابع مطرح شده است. ساکس و وارنر (2001: 836)، بیماری هلندی را یکی از عوامل اصلی شکل گیری پدیده شومی منابع معرفی می کنند. بر اثر افزایش درآمدهای منابع طبیعی، تقاضا برای بخش خدمات افزایش می یابد و لذا بخش زیادی از منابع انسانی و مالی به سمت بخش های غیرقابل تجارت سرازیر می شود. از سوی دیگر بخش منابع طبیعی که از توان کافی برای پرداخت دستمزدهای بالاتر برخوردار می شود، علاوه بر اینکه موجب افزایش سطح کلی دستمزدها می گردد، بسیاری از نیروهای متخصص بخش صنعت را نیز به خود جذب می نماید. دو عامل فوق، موجب رشد منفی و یا عدم رشد بخش صنعت می شود و لذا رقابت پذیری در اقتصاد از بین رفته و روند توسعه صنعتی کند می شود. از سویی دیگر، رونق صادرات منابع طبیعی با تقویت ارزش پول داخلی همراه است؛ به طوری که افزایش درآمدهای ارزی حاصل از فروش منابع طبیعی باعث تقویت نرخ ارز حقیقی شده و قدرت رقابت صنعت داخلی در بازارهای جهانی کاهش می یابد. گیلفاسن (2001: 891) نشان می دهد که چگونه سرمایه طبیعی دارای اثر جانشینی جبری با سرمایه انسانی است. عدم نیاز به نیروی متخصص در صنایع وابسته به منابع طبیعی در مقایسه با صنایع همچون صنایع الکترونیک، هوافضا، انفورماتیک و بسیاری فناوری های مدرن دیگر، اهمیت حیاتی نیروی انسانی متخصص را در بسیاری از اقتصادهای وابسته به منابع طبیعی از میان برده است. بی نیازی از نیروی انسانی متخصص، ضعف نظام آموزشی را بدنبال داشته که خود منجر به ضعف سرمایه انسانی و تخریب فرآیند توسعه شده است. از طرف دیگر مقامات کشورهای برخوردار از منابع طبیعی، دارای اطمینان بیش از حد نسبت به آینده اقتصادی هستند و به سیاست های مرتبط با ارتقای کیفی آموزش و سرمایه انسانی اهمیت کمتری می دهند. در این کشورها، سرمایه طبیعی مهمتر و ارزشمندتر از سرمایه انسانی است چرا که با هزینه کمتر و در بازه زمانی کوتاه تر می توان از آن بهره برداری کرد. اما سرمایه انسانی مستلزم صرف هزینه و زمان بیشتر بوده و خروجی آن نیز دیربازده است. با رونق منابع طبیعی، کشورهای برخوردار حتی با سیاست های اقتصادی ضعیف و عدم توجه به توسعه آموزش، سطح رفاه قابل قبولی را تجربه می کنند که همین منجر به کاهش انگیزه آن ها برای سرمایه گذاری بلندمدت در حوزه نیروی انسانی می شود. جوامع فاقد منابع طبیعی در این مورد فرصت و امکان کمتری برای اشتباه دارند. گیلفاسن (2006: 1094) وجود رابطه همبستگی منفی میان برخورداری از سرمایه طبیعی و سرمایه گذاری فیزیکی در ۸۵ کشور را نشان می دهد. برخورداری از منابع طبیعی، عاملی برای کاهش انگیزه های بخش خصوصی و دولتی برای سرمایه گذاری و در نتیجه کند شدن فرآیند رشد اقتصادی است. وی با بهره گیری از مدل رشد سولو، نشان می دهد که نرخ بهینه پس انداز در حالتی که منابع طبیعی تشکیل دهنده بخشی از تابع تولید باشد، کمتر از حالتی است که منابع طبیعی وجود نداشته باشد. در واقع منابع طبیعی عامل جانشینی جبری با پس انداز است و هرچه سهم منابع طبیعی در تابع تولید بیشتر باشد، اثر جانشینی جبری بیشتر مشاهده می شود. همچنین شوک های قیمتی منابع طبیعی و نوسان درآمدهای آن موجب نوسان مداوم نرخ ارز می شود. مجموعه این نااطمینانی ها، سرمایه گذاری در بخش قابل تجارت و نیز سرمایه گذاری در صادرات و واردات کالا و خدمات را فاقد توجیه اقتصادی می کند. چرا که در صورت فقدان ثبات در متغیرهای اقتصادی مرتبط با فعالیت های بازرگانی، ریسک سرمایه گذاری افزایش می یابد. در اکثر کشورهای وابسته به منابع، رشد درآمدهای منابع طبیعی موجب افزایش هزینه های مصرفی دولت می شود و تأثیری بر رشد سرمایه گذاری دولت بر سرمایه انسانی و فیزیکی ندارد. اوتی و گلب (2001: 48) رانت جوایی را به عنوان یکی از عوامل مخرب رشد در کشورهای برخوردار از منابع مطرح می سازد. وی اثر رانت جوایی را به سه مولفه فساد اداری، توزیع ناعادلانه ثروت و افزایش هزینه های دولت تفکیک می نماید. در مدل های اقتصادی، افزایش تعداد افراد رانت جو موجب کاهش بازده اقتصادی هم برای این افراد و هم برای کارآفرینان می شود. به ویژه در دوره های رونق درآمدهای منابع، تعداد کارآفرینان بیشتری وارد فضای رانت جوایی می شوند. افزایش تعداد رانت جوایان به

دلیل اثرات خارجی منفی باعث کاهش سود بخش کارآفرینی شده که این خود خروج کارآفرینان از بخش های مولد را تسریع می کند (Murphy, 1993: 411; Baland & Francois, (2000: 530) در این میان، مشاهدات دنیای واقعی نشان می دهد ساز و کارهای فوق در برخی کشورهای برخوردار از منابع طبیعی منجر به شکل گیری پدیده شومی منابع طبیعی نشده است. برای مثال، کشوری مانند نروژ توانسته است حکمرانی اقتصادی مبتنی بر حقوق مالکیت، حاکمیت قانون و توسعه اقتصادی را شکل داده و حضور منابع طبیعی در این کشور اثر منفی بر عملکرد اقتصادی آن نداشته است. در مقابل، کشوری مانند عراق دوره صدام، نتوانسته حکمرانی اقتصادی مناسبی را شکل دهد و درآمدهای منابع طبیعی در جهت منافع دلخواهی سیاستمداران مورد استفاده قرار گرفته است. بنابراین این سوال در حوزه دانش اقتصاد سیاسی قابل طرح است که آیا اثر منابع طبیعی در اقتصاد کشورها به نوع ساختار و نظام سیاسی حاکم بر آن کشورها وابسته است؟ آیا کشور نروژ به دلیل برخورداری از نظام پارلمانی و قضایی قدرتمند و مستقل نتوانسته است نظارت بهتری بر عملکرد سیاستمداران داشته باشد و عراق دوره صدام به دلیل نظام دیکتاتوری و تمرکز بالای قدرت نتوانسته مانع سوء استفاده های شخصی یا گروهی جریان های سیاسی شود؟ آیا این عملکرد منفی مشاهده شده اثر کیفیت پایین نظام سیاسی است یا اثر منابع طبیعی؟ پرسش بعدی در خصوص نوع منبع طبیعی است. اینکه آیا نوع منبع طبیعی در تعامل با نوع نظام سیاسی دارای اهمیت است؟ آیا بین منابع نفتی، معدنی، کشاورزی و ... در شکل گیری پدیده شومی منابع تفاوتی وجود دارد؟ در این پژوهش برای پاسخ به این پرسش ها ابتدا در بخش دوم به تبیین پیشینه تحقیق پرداخته می شود. مبانی نظری پژوهش در بخش سوم ارائه می شود. سپس در بخش چهارم، روش تحقیق شامل گونه شناسی نظام های سیاسی، فرضیه تحقیق، الگوی تجربی و داده های تحقیق معرفی می شود. بخش پنجم، نتایج تجربی و تحلیل حساسیت آن را با افزودن برخی متغیرهای کنترل دیگر و تغییر نمونه مورد بحث و بررسی قرار داده و در بخش پایانی، نتیجه گیری ارائه می شود.

پیشینه تحقیق

شومی منابع طبیعی یکی از سرفصل های مورد توجه در ادبیات علمی حوزه اقتصاد سیاسی است. مطالعات صورت گرفته در این حوزه بر نقش نظام سیاسی در شکل گیری پدیده شومی منابع طبیعی تاکید دارد. اندرسون و آسلاکسن (2008: 229) در ادامه مطالعه نظری پرسون و تابلینی (2003: 205) نشان داده اند که رانت جویی در نظام های مبتنی بر نظام ریاست جمهوری با قدرت سیاسی متمرکز نسبت به پارلمانی مصداق بیشتری دارد چرا که در نظام های ریاست جمهوری میزان پاسخگویی کمتر رانت های بیشتری در اختیار سیاستمدار قرار دارد. در اینگونه نظام ها، مقام اجرایی با محدودیت های نظارتی کمتری در اتخاذ تصمیم مواجه بوده و این قدرت را دارد تا با استفاده از رانت منابع طبیعی و اتخاذ سیاست های توزیعی، گروه های ذی نفع مرتبط با خود را از جهت اقتصادی و سیاسی تقویت نماید. کولیر و هافلر (2009: 302) نیز نشان داده اند که عدم برخورداری از ساز و کارهای نظارتی مناسب در کشورهای برخوردار از منابع با نظام های انتخاباتی می تواند موجب افزایش فساد و تخریب رشد شود. دسترسی به درآمدهای منابع این انگیزه را در سیاستمدار ایجاد می کند که با هدف حفظ قدرت خود جهت تصمیم گیری در خصوص نحوه توزیع درآمدهای منابع، از این درآمدها به عنوان ابزاری جهت پیروزی در انتخابات استفاده کرده و با پرداخت های مالی گسترده سعی در خرید آرا و گروه های ذی نفوذ نماید. گسترش فساد و فعالیت های رانت جویانه در اینگونه کشورها منجر به کاهش انگیزه برای سرمایه گذاری در فعالیت های مولد و تخریب فرایند رشد اقتصادی خواهد شد. همچنین بر مبنای مطالعه اندرسون و آسلاکسن (2013: 92) میزان حضور سیاستمدار در قدرت هم به نوع منابع و هم به کیفیت دموکراسی وابسته است. برقراری دموکراسی فاقد پاسخگویی به رقابت های مخرب سیاسی انجامیده و فرآیند رشد را دچار اختلال می سازد. اگر وفور منابع طبیعی در زمانی رخ دهد که نظام سیاسی از کیفیت بالای ساز و کارهای نظارتی بر سیاستمدار برخوردار باشد، آنگاه سیاستمدار به دلیل محدودیت های نظارتی امکان سوء استفاده از درآمدهای منابع جهت کسب منافع شخصی اقتصادی و سیاسی را نخواهد یافت. در مقابل، کیفیت پایین دموکراسی و ساز و کارهای نظارتی در زمان وفور منابع زمینه تشدید فعالیت های رانت جویانه را فراهم می سازد (Bjorvatn, & Selvik, 2008: 2320; Bulte & et al., 2004: 14; Bhattacharyya &)

Hodler, 2010: 110). باتاچاریا و هدلر (2010: 610) با ارایه یک مدل نظری و آزمون تجربی آن بیان می کنند در صورتی که کیفیت دموکراسی از یک حد آستانه کمتر باشد، وفور منابع افزایش فساد را به همراه دارد و برعکس. همچنین برخی مطالعات نشان می دهد هر چه تعداد گروه های رقیب سیاسی در یک جامعه افزایش یابد سهمی از منابع که به مبارزه و درگیری میان گروه ها تعلق می گیرد افزایش یافته و سهم فرآیندهای مولد کاهش می یابد (Bhattacharyya & Hodler, 2006: 1372). بر این اساس هر گروه سهم مشخصی از منابع را در اختیار داشته و می تواند آن را صرف فعالیت های مولد و یا درگیری با سایر گروه های رقیب نماید. با افزایش تعداد گروه ها، سهمی از منابع که صرف درگیری می شود افزایش و سهم فعالیت های مولد کاهش یافته که این امر سبب تخریب فرآیند رشد می شود. بنابراین نظام سیاسی و کیفیت آن می تواند اثر کلیدی در تخریب فرآیند توسعه اقتصادی و چگونگی اثرگذاری منابع طبیعی بر عملکرد نهادهای مرتبط با حکمرانی اقتصادی داشته باشد.

مبانی نظری تحقیق

بررسی فوق نشان می دهد نوع و کیفیت نظام سیاسی می تواند در شکل گیری یا عدم شکل گیری پدیده شومی منابع طبیعی موثر باشد. بررسی عملکرد کشورهای برخوردار از منابع طبیعی نشان می دهد برخی از آن ها توانسته اند عملکرد موفقی در شکل دهی حکمرانی اقتصادی بر مبنای حقوق مالکیت داشته باشند. برای مثال، کشور نروژ یکی از کشورهای موفق در بهره برداری از درآمدهای نفتی است. مطالعات صورت گرفته نشان می دهد در این کشور، قدرت سیاسی به خوبی بین بازیگران مختلف - شامل دولت، پارلمان، احزاب و ... - تقسیم شده است به گونه ای که سیاستمدار در استفاده دل بخواهی از درآمدهای نفتی با محدودیت مواجه است. تقسیم قدرت بین نهادهای سیاسی سبب شده تا نظارت برای پاسخگویی سیاستمدار نسبت به عملکرد خود ایجاد شده و همین امر امکان انحراف در اتخاذ سیاست های سودجویانه را دشوار سازد (Fiva & et al., 2018: 5). در برخی کشورهای دیگر نفتی مانند عراق دوره صدام، تمرکز قدرت سیاسی در یک فرد سبب شده است تا وی با استفاده از قدرت سیاسی خود اقدام به اتخاذ سیاست های سودجویانه برای کسب محبوبیت، نقض حقوق مالکیت بخش خصوصی و شکل دهی انواع مختلفی از انحصارات اقتصادی نماید. درآمدهای نفتی که در اختیار دولت بود با وقوع شوک قیمتی نفت افزایش یافته و امکان بیشتری به صدام برای پیگیری سیاست های رادیکال و جنگ طلبانه داد. مشابه همین رویکرد در برخی نظام های ریاست جمهوری مانند ونزوئلا نیز قابل مشاهده است. تمرکز قدرت در فرد منتخب این امکان را به او می دهد تا نهادهای مرتبط با حکمرانی اقتصادی را بر اساس منافع فردی تنظیم نماید. اتخاذ سیاست های پوپولیستی مانند دولتی سازی صنایع و بنگاه های بزرگ، کنترل رسانه ها و ... از جمله رویکردهای فردی چون هوگو چاوز برای کسب محبوبیت بوده است (Le Billon, 2005: 694; Weisbrot & Sandoval, 2007: 2). بنابراین تمرکز قدرت یا تقسیم قدرت بین بازیگران مختلف با محدودیت بیشتری در استفاده دل بخواهی از درآمدهای منابع مواجه هستند. همانطور که آسم اوغلو و رایبسون (2012) توضیح می دهند دموکراسی هایی که در اصطلاح دموکراسی های غیرمتمرکز نامیده می شوند به دلیل برخورداری از توزیع قدرت سیاسی بین ذی نفعان مختلف، از سطح پاسخگویی و کارآمدی بیشتری در برابر دموکراسی هایی برخوردارند که قدرت سیاسی در آن ها به صورت متمرکز در اختیار فرد یا گروه منتخب قرار دارد. این نوع نظام ها که در اصطلاح دموکراسی های متمرکز نامیده می شوند به دلیل تمرکز بالای قدرت سیاسی، فرد یا گروه منتخب از امکان اتخاذ سیاست های دل بخواهی برخوردارند که همین امر منجر به تضعیف کیفیت حکمرانی اقتصادی در این کشورها می شود. برخی مشاهدات نشان می دهد حضور منابع طبیعی در برخی نظام های دیکتاتوری، تاثیر مخربی بر عملکرد نهادهای مرتبط با حکمرانی اقتصادی این کشورها نداشته است. برای مثال، کشور قطر علی رغم وابستگی به درآمدهای صادراتی گاز، توانسته است نهادهای اقتصادی حامی حقوق مالکیت خصوصی را شکل داده و زمینه توسعه اقتصادی را فراهم سازد. در این پادشاهی خاندانی، قدرت بین اعضا خاندان به گونه ای تقسیم شده است که هیچ عضوی نمی تواند سایر اعضا را حذف یا محدود سازد. به همین دلیل، این انگیزه در کلیه اعضا خاندان وجود داشته تا از شکل گیری نهادهای اقتصادی حامی مالکیت خصوصی و حاکمیت قانون حمایت کنند. همین امر سبب شده است تا بنگاه های خصوصی در بخش های مختلف تجاری، صنعتی و خدماتی بتوانند در یک فضای رقابتی به فعالیت بپردازند (Al-Sharekh, 2007:)

10). همانطور که کاداماتسو و بیسلی (2008: 461) توضیح می‌دهند قدرت سیاسی در برخی دیکتاتوری‌ها بین فرد حاکم و هیات حاکمه به گونه‌ای تقسیم شده است که فرد حاکم برای اتخاذ هر سیاستی مجبور است منافع سایر بازیگران را در نظر گیرد. بنابراین، در این دیکتاتوری‌ها که اصطلاحاً دیکتاتوری‌های غیرمتمرکز نامیده می‌شوند قدرت سیاسی بین اعضای هیات حاکمه توزیع شده است و اعمال سیاست‌های دل‌خواهی با محدودیت مواجه است. در مقابل، در برخی دیکتاتوری‌ها قدرت به صورت کاملاً متمرکز در اختیار فرد حاکم است و حقوق مالکیت به راحتی در این نظام‌ها توسط فرد حاکم نقض می‌شود. حکومت صدام در عراق نمونه بارزی از این نوع نظام سیاسی است. در این حکومت که نوعی دیکتاتوری نظامی است، قانون، همان سلیقه یا دستورات شخصی و دلخواهی فرد حاکم است که می‌تواند بنا بر اقتضای شرایط یا منافع او به طور مستمر تغییر کند. صدام از ابتدای دست‌یابی به قدرت، دولت را در قالب نوعی حکومت نظامی اداره کرد. با استفاده از این وضعیت، او هرگونه مخالفتی را سرکوب کرده و تعداد زیادی از منتقدان خود را به زندان انداخت. در حوزه اقتصادی، با شکل‌دهی انواع انحصارات کنترل بخش‌های اصلی اقتصاد را در دست گرفته و از درآمد سرشار نفتی برای تقویت ابزار سرکوب بهره برد. فعالیت یا عدم فعالیت سایر بازیگران در حوزه اقتصادی بسته به نظر شخصی او داشت و حتی نزدیک‌ترین افراد به وی هیچگونه ضمانتی برای حفظ حقوق خود نداشتند (Karsh & Rautsi, 2002).

روش تحقیق

چارچوب فوق، این نتیجه را به دست می‌دهد که نوع نظام سیاسی می‌تواند به عنوان یک متغیر کلیدی در شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری پدیده شومی منابع اثرگذار باشد. با لحاظ چهار نوع نظام سیاسی مورد اشاره شامل دموکراسی متمرکز، دموکراسی غیرمتمرکز، دیکتاتوری متمرکز و دیکتاتوری غیرمتمرکز، فرضیه پژوهش به شرح زیر قابل ارائه است: نوع نظام سیاسی متغیر کلیدی تعیین‌کننده کیفیت نهادهای اقتصادی بوده و منابع طبیعی به طور مستقل اثر معناداری بر کیفیت این نهادها ندارد، بلکه اثر آن وابسته به نوع نظام سیاسی حاکم بر هر کشور است. منظور از نهادهای اقتصادی، نهادهایی است که کیفیت حکمرانی اقتصادی را در کشورها شکل می‌دهد مانند نهادهای حقوق مالکیت، حاکمیت قانون، ضمانت قراردادهای اقتصادی و... در این مقاله، با ارائه الگوی تجربی و استفاده از یک نمونه گسترده، درستی یا نادرستی فرضیه پژوهش مورد آزمون قرار می‌گیرد. آسم اوغلو و دیگران (2002: 1298) توضیح می‌دهند که فرایند اثرپذیری نهادهای اقتصادی از نظام سیاسی زمان بر است. در این پژوهش با هدف در نظر گرفتن فاصله زمانی اثرگذاری نظام سیاسی بر کیفیت حکمرانی اقتصادی و پیروی از الگوی زمانی دو دوره ای بوشینی و دیگران (2013: 27)، اثر نوع نظام سیاسی در دهه ۷۰ میلادی بر کیفیت نهادهای اقتصادی در دهه ۹۰ میلادی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین، دو دوره زمانی با فاصله ۲۰ سال تعریف شده است تا بتوان اثر نوع نظام سیاسی بر کیفیت نهادهای اقتصادی را مورد ارزیابی قرار داد. همانطور که بوشینی و دیگران (2013: 22) توضیح می‌دهند این الگوی زمانی دو مزیت دارد. اول، از آنجا که عمده شوک‌های قیمتی منابع طبیعی در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی رخ داده است، بررسی کیفیت نهادهای اقتصادی در دهه ۹۰ سبب می‌شود تا اثر وقوع این شوک‌ها بر نهادهای اقتصادی نیز در الگوی تجربی لحاظ شده باشد. دومین مزیت این است که مساله درون‌زایی که ممکن است به دلیل علیت معکوس - اثر متقابل نهادهای اقتصادی بر نظام سیاسی - رخ دهد از طریق اعمال این الگوی زمانی دو دوره ای کمینه می‌شود.

الگوی تجربی

اندرسون و آسلاکسن (2008) در مطالعه خود، برای هر نوع نظام سیاسی یک متغیر مجازی در رابطه تجربی در نظر گرفته و اثر این متغیر را با کنترل سایر عوامل مورد مطالعه قرار می‌دهند. آنها به جهت مطالعه اثر طبیعی در هر نوع نظام سیاسی، یک متغیر برهمکنش نیز بین نوع نظام سیاسی و منابع طبیعی در رابطه تجربی تعریف می‌کنند. همچنین، بوشینی و دیگران (2013) در رابطه تجربی خود برای کنترل مسئله درون‌زایی، دو دوره زمانی در نظر گرفته که متغیر وابسته برای یک دوره و متغیرهای مستقل برای دوره دیگر است. با لحاظ چارچوب فوق و با پیروی از مطالعات اندرسون و آسلاکسن (۲۰۰۸) و بوشینی و دیگران (۲۰۱۳)، معادله تجربی پژوهش به شکل زیر قابل تعریف است:

$$I_{90s} = \alpha_0 + \alpha_1 \times GDP_{70} + \alpha_2 \times Natural Resources_{70s80s} + \alpha_3 \times Political Regimes_{70s} + \alpha_4 \times Political Regimes_{70s} \times Natural Resources_{70s80s} + \alpha_5 \times X + \epsilon. \quad (1)$$

در این معادله، (I) میانگین شاخص کیفیت نهادهای اقتصادی در دهه ۹۰ میلادی است. یکی از مهم ترین نهادهای اقتصادی که برای رشد اقتصادی پایدار نیز حیاتی است، نهادهای مرتبط با حقوق مالکیت فعالان اقتصادی، تنظیم قراردادها و نظام قضائی است که کیفیت آن تاثیر قابل توجهی بر عملکرد مناسب اقتصادی هر کشوری دارد. (GDP) متغیر کنترل مدل و بیانگر درآمد سرانه در سال ۱۹۷۰ میلادی است. این متغیر شاخص سطح توسعه هر کشور در ابتدای دوره زمانی مورد مطالعه است که می تواند کیفیت نهادهای اقتصادی را در آینده تحت تاثیر قرار دهد به گونه ای که سطح توسعه بالاتر در گذشته منجر به کیفیت بالاتر نهادهای اقتصادی در آینده شود. (Natural Resources) میانگین نسبت صادرات منابع طبیعی به تولید ناخالص داخلی طی دو دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی است. (Political Regimes) نوع نظام سیاسی در دهه ۷۰ میلادی است که کیفیت نهادهای اقتصادی دهه های آینده را شکل می دهد.

($Political Regimes_{70s} \times Natural Resources_{70s80s}$) متغیر برهمکنش منابع طبیعی با هر نوع نظام سیاسی است که نشان می دهد آیا اثر منابع طبیعی بر کیفیت نهادهای اقتصادی به نوع نظام سیاسی وابسته است یا خیر. (X) سایر متغیرهای کنترل مدل می باشند که با هدف تحلیل حساسیت نتایج به معادله افزوده می شوند. در این پژوهش سه متغیر کنترل برای تحلیل حساسیت نتایج مورد استفاده قرار می گیرد. با هدف برآورد معادله تجربی (۱)، نمونه مورد مطالعه به چهار نوع نظام سیاسی تقسیم بندی می شود که داده های مربوط به هر نوع نظام سیاسی در جدول (۱) ارائه شده است. برای هر نوع نظام سیاسی، یک متغیر مجازی تعریف می شود. برای تفکیک نمونه، از شاخص های مطرح در حوزه علوم سیاسی استفاده می شود. با پیروی از پرسون و تابلینی (2003: 71)، شاخص «حقوق سیاسی» خانه آزادی برای تفکیک دموکراسی ها از دیکتاتوری ها مورد استفاده قرار می گیرد. این شاخص درجه آزادی انتخابات و منصفانه بودن آن، فرآیند انتخاب مدیران اجرایی و اعضا مجلس، حق آزاد تشکیل احزاب سیاسی و مشارکت در انتخابات، میزان فعالیت احزاب مخالف دولت در حوزه اجتماعی و ... را ارزیابی می کند. این شاخص به هر کشور امتیازی در دامنه ۱ تا ۷ تخصیص می دهد که عدد ۷ کمترین رتبه و عدد ۱ بالاترین رتبه را نشان می دهد. بنابر استاندارد خانه آزادی (2017)، کشورهای با امتیاز ۶ و ۷ دیکتاتوری و سایر کشورها دموکراسی محسوب می شوند. در گام بعد، دموکراسی ها خود به دو گروه دموکراسی های متمرکز و غیرمتمرکز تقسیم می شوند. با پیروی از آسم اوغلو و دیگران (2002: 1266)، شاخص «محدودیت های اجرایی» از مجموعه «Polity IV» جهت ارزیابی کیفیت توزیع قدرت سیاسی در دموکراسی ها و تفکیک دموکراسی های متمرکز از غیرمتمرکز مورد استفاده قرار می گیرد. این شاخص میزان تمرکز قدرت در مدیران اجرایی و کیفیت موازنه قدرت بین پارلمان و دولت را ارزیابی می کند. این شاخص در دامنه ۱ تا ۷ قرار می گیرد و بر مبنای استاندارد مجموعه پولیتی، عدد ۷ به کشورهایایی تعلق می گیرد که در آن ها پارلمان دارای قدرتی برابر یا بیشتر از دولت منتخب بوده و در گروه دموکراسی های غیرمتمرکز قرار می گیرند. سایر دموکراسی ها به عنوان دموکراسی های متمرکز دسته بندی می شوند. در بیشتر دیکتاتورهای، به دلیل فقدان مجلس امکان استفاده از شاخص «محدودیت های اجرایی» برای سنجش توزیع قدرت بین دولت و مجلس وجود ندارد. در مقابل، توزیع قدرت در برخی دیکتاتوری ها منحصر به اعضا هیات حاکمه است که همگی غیرانتخابی می باشند. بنابراین در این پژوهش، تفکیک دو گونه نظام سیاسی دیکتاتوری متمرکز و دیکتاتوری غیرمتمرکز بر مبنای مطالعات صورت پذیرفته در حوزه علوم سیاسی و اقتصاد سیاسی مانند هرب (1999) و یام و گوسه (2012) صورت می پذیرد. هرب (1999: 31) توضیح می دهد که در برخی دیکتاتوری ها با نظام پادشاهی، قدرت سیاسی بین اعضا خاندان پادشاهی توزیع شده است. این توزیع قدرت سیاسی، سبب می شود تا دامنه قدرت پادشاه برای اتخاذ تصمیم های دلخواهی محدود شود. هرب در مطالعه تاریخی خود اکثر پادشاهی های خاندانی خاورمیانه شامل کویت، بحرین، اردن، مراکش، عمان، قطر، عربستان سعودی، و امارات متحده عربی را دارای این ویژگی می داند. علاوه بر این، وامن (2013: 33) سه پادشاهی نپال، بوتان، و سوازیلند را به عنوان پادشاهی های خاندانی معرفی می کند. در برابر پادشاهی های خاندانی که

دیکتاتوری غیرمتمرکز تعریف می‌شوند، سایر دیکتاتوری‌ها شامل دیکتاتوری‌های فردی و نظامی به عنوان دیکتاتوری متمرکز دسته بندی می‌شوند. چرا که در این نوع دیکتاتوری‌ها، قدرت به طور کاملاً متمرکز در اختیار یک فرد یا یک فرمانده نظامی قرار دارد. رژیم‌های صدام در عراق و حسنی مبارک در مصر از نمونه‌های مطرح این نوع دیکتاتوری محسوب می‌شود.

داده‌های تحقیق

در این پژوهش، داده‌های مرتبط با تمام کشورهایی که شاخص‌های مورد نظر برای آن‌ها در بازه زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰ میلادی در دسترس بوده مورد استفاده قرار گرفته است. این نمونه شامل ۱۰۲ کشور شده که از این میان، ۳۲ کشور دیکتاتوری متمرکز، ۳۱ کشور دموکراسی متمرکز، ۹ کشور دیکتاتوری غیرمتمرکز و ۳۰ کشور دموکراسی غیرمتمرکز می‌باشند. لیست کشورهای مورد استفاده در نمونه در جدول پیوست ارائه شده است. با پیروی از رودریک و دیگران (2004: 135)، از میانگین شاخص حاکمیت قانون در بازه ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ جهت ارزیابی کیفیت نهادهای اقتصادی استفاده شده است. این شاخص کیفیت حمایت از حقوق مالکیت، قراردادها، عمکرد پلیس و دستگاه قضائی را ارزیابی کرده و مقداری در دامنه (2.5, -2.5) را برای هر کشور محاسبه می‌کند. داده‌های شاخص از مجموعه Earthtrends گردآوری شده است. همچنین، با هدف تحلیل حساسیت نتایج به متغیر وابسته، از شاخص اثربخشی دولت^۱ برای سنجش کیفیت نهادهای اقتصادی استفاده شده است. این شاخص کیفیت ارائه خدمات مرتبط با کالای عمومی، خدمات شهری و استقلال تصمیم‌گیری اقتصادی از حوزه سیاسی، کیفیت سیاست‌گذاری نهادهای قانونی و نحوه اجرای سیاست‌ها را ارزیابی می‌کند. مقدار کمی این شاخص در بازه (2.5, -2.5) قرار می‌گیرد. داده‌های شاخص از مجموعه Earthtrends گردآوری شده است. جدول (۱) توصیف داده‌های مورد استفاده در الگوی تجربی را به تفکیک هر نوع نظام سیاسی برای هر متغیر ارائه می‌دهد. ردیف اول، میانگین شاخص حاکمیت قانون برای بازه ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰، ردیف دوم، میانگین شاخص اثربخشی دولت برای بازه ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰، و ردیف سوم شاخص درآمد سرانه در ۱۹۷۰ را نشان می‌دهد که داده‌های آن از مجموعه جدول جهانی پن‌گردآوری شده است (Heston & Summers, 2002). ردیف‌های چهارم تا ششم به ترتیب میانگین سهم صادرات طبیعی، منابع طبیعی متمرکز (شامل منابع معدنی، نفتی و گازی)، و منابع طبیعی غیرمتمرکز (شامل منابع کشاورزی، دریایی و جنگلی) از تولید ناخالص داخلی را در بازه ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۹ نشان می‌دهد و داده‌های آن از مجموعه داده‌های بانک جهانی (2014) گردآوری شده است. در نهایت، ردیف هفتم میانگین شاخص درجه باز بودن اقتصاد را در بازه ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ ارائه می‌دهد که نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخص باز بودن اقتصاد برای هر کشور محاسبه شده و داده‌های آن از مجموعه بانک جهانی گردآوری شده است.

جدول ۱. توصیف داده‌ها

متغیر	دیکتاتوری متمرکز			دموکراسی متمرکز			دیکتاتوری غیرمتمرکز			دموکراسی غیرمتمرکز		
	شاخص	میانگین	انحراف معیار	شاخص	میانگین	انحراف معیار	شاخص	میانگین	انحراف معیار	شاخص	میانگین	انحراف معیار
حاکمیت قانون (میانگین ۱۹۹۶-۲۰۰۰)	31	-0.48	0.50	31	-0.16	0.64	9	0.40	0.59	30	1.30	0.79
اثربخشی دولت (میانگین ۱۹۹۰-۲۰۰۰)	32	-0.49	0.53	31	-0.04	0.64	9	0.11	0.39	29	1.34	0.89
درآمد سرانه (لگاریتم ۱۹۷۰)	32	6.30	0.65	31	6.75	0.71	7	6.75	0.72	30	7.82	0.71

1. Government Effectiveness
2. Rnn World Table

0.08	0.05	30	0.29	0.33	7	0.10	0.07	31	0.11	0.10	32	منابع طبیعی (میانگین نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی ۱۹۷۰-۱۹۸۹)
0.08	0.04	30	0.29	0.33	7	0.10	0.05	31	0.11	0.08	32	منابع طبیعی متمرکز (میانگین نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی ۱۹۷۰-۱۹۸۹)
0.01	0.01	30	0.01	0.00	7	0.03	0.02	31	0.02	0.02	32	منابع طبیعی غیرمتمرکز (میانگین نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی ۱۹۷۰-۱۹۸۹)
0.29	0.56	29	0.22	0.40	3	0.24	0.39	31	0.20	0.46	30	درجه باز بودن اقتصاد (۱۹۶۰-۱۹۵۰)

تحلیل نتایج

نتایج برآورد در جدول (۲) ارائه شده است. در ستون اول جدول (۲)، اثر مستقیم منابع طبیعی بر کیفیت نهادهای اقتصادی با کنترل اثر نظام های سیاسی برآورد شده است. ضریب بدست آمده برای منابع طبیعی منفی و معنادار است. همچنین، ضرایب مربوط به نظام های دیکتاتوری و دموکراسی متمرکز منفی و معنادار است. درحالی که ضریب نظام دیکتاتوری غیرمتمرکز معنادار نمی باشد. نتایج نشان می دهد کیفیت نهادهای اقتصادی در نظام های متمرکز پایین تر از نظام های غیرمتمرکز است. همچنین تفاوت معناداری بین کیفیت نهادهای اقتصادی دیکتاتوری غیرمتمرکز و دموکراسی غیرمتمرکز وجود ندارد. در ستون (۲)، برهمکنش منابع طبیعی با دیکتاتوری متمرکز به رگرسیون اضافه شده که ضریب مربوط به آن منفی و معنادار است. با اضافه شدن این متغیر برهمکنش، ضریب مربوط به منابع طبیعی معنادار نیست. نتایج بیانگر آن است که با کنترل اثر برهمکنش منابع طبیعی با نظام سیاسی، منابع طبیعی اثر مستقیمی بر کیفیت نهادهای اقتصادی ندارد.

در ستون سوم جدول (۲)، متغیرهای مربوط به برهمکنش منابع طبیعی با هر نوع نظام سیاسی به رگرسیون افزوده شده است. از بین ضرایب برهمکنش، ضریب مربوط به برهمکنش منابع طبیعی با دیکتاتوری متمرکز منفی و معنادار بوده و سایر ضرایب معنادار نیست. بنابراین منابع طبیعی در نظام های دیکتاتوری متمرکز اثر منفی بر کیفیت نهادهای اقتصادی داشته است اما در سایر نظام ها چنین اثری مشاهده نمی شود.

جدول ۲. نهادهای اقتصادی، نظام سیاسی و منابع طبیعی

(۶)	(۵)	(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	
-4/043***	-4/205***	-4/146***	-3/940***	-4/070***	-3/963***	عرض از مبدا
(0/713)	(0/673)	(0/630)	(0/556)	(0/538)	(0/545)	
0/703***	0/707***	0/701***	0/679***	0/690***	0/679***	درآمد سرانه
(0/087)	(0/082)	(0/077)	(0/070)	(0/068)	(0/069)	
				-0/385	-0/871**	منابع طبیعی
				(0/457)	(0/399)	
-0/589**	-0/531**	-0/535**	-0/588***	-0/527***	-0/695***	دیکتاتوری متمرکز
(0/225)	(0/207)	(0/206)	(0/191)	(0/179)	(0/162)	
-0/759***	-0/713***	-0/717***	-0/762***	-0/720***	-0/722***	دموکراسی متمرکز
(0/183)	(0/174)	(0/172)	(0/160)	(0/137)	(0/140)	
-0/195	-0/035	-0/032	-0/050	0/139	0/263	دیکتاتوری غیرمتمرکز
(0/675)	(0/318)	(0/316)	(0/314)	(0/245)	(0/241)	
-1/857**	-2/224***	-2/155***	-2/135***	-1/771**		دیکتاتوری متمرکز * منابع طبیعی
(0/842)	(0/792)	(0/740)	(0/738)	(0/854)		
-0/218	-0/678	-0/676	-0/545			دموکراسی متمرکز * منابع طبیعی
(0/922)	(0/847)	(0/843)	(0/820)			
3/242	-0/030	-0/035	0/025			دیکتاتوری غیرمتمرکز * منابع طبیعی
(15/589)	(0/663)	(0/659)	(0/652)			
-0/629	-1/306	-1/294	-1/203			دموکراسی غیرمتمرکز * منابع طبیعی
(1/191)	(1/082)	(1/075)	(1/065)			

0/140 (0/136)	0/094 (0/125)	0/081 (0/115)				بریتانیا
0/073 (0/161)	0/039 (0/152)				فرانسه	
-0/350 (0/249)				درجه باز بودن اقتصاد		
92	99	99	99	99	99	مشاهدات
30/742***	37/227***	41/795***	47/219***	63/468***	72/720***	آماره F
0/809	0/809	0/809	0/808	0/805	0/800	آماره χ^2

یادداشت: متغیر وابسته در تمام رگرسیون‌ها میانگین شاخص حاکمیت قانون (۱۹۹۶-۲۰۰۰) است. خطاهای استاندارد مربوط به هر ضریب در داخل پرانتز ارائه شده است. *، **، *** به لحاظ آماری دلالت بر معناداری ضرایب به ترتیب در سطح ۱۰٪، ۵٪ و ۱٪ دارد.

نتایج نشان می‌دهد کیفیت نهادهای اقتصادی در دیکتاتوری‌های متمرکز پایین‌تر از نظام‌های غیرمتمرکز است که حضور منابع طبیعی این اثر منفی را تشدید کرده است. همچنین، در دموکراسی‌ها، کیفیت دموکراسی عامل تعیین‌کننده در شکل‌گیری نهادهای اقتصادی بوده است و حضور منابع طبیعی اثر منفی و معناداری بر این موضوع نداشته است.

تحلیل حساسیت

تحلیل حساسیت نتایج با افزودن متغیرهای کنترل در ستون‌های (۴) تا (۶) از جدول (۲) صورت گرفته است. در ستون (۴)، متغیر مجازی مربوط به مستعمرات بریتانیا، در ستون (۵)، متغیر مجازی مستعمرات فرانسه و در ستون (۶) متغیر درجه باز بودن اقتصاد به رگرسیون اضافه شده است. سطح باز بودن اقتصاد نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی در بازه سال‌های قبل از وقوع شوک قیمتی نفت - ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۹ - در نظر گرفته شده و داده‌های آن از مجموعه WDI گردآوری شده است. نتایج نشان می‌دهد افزودن متغیرهای کنترل اثری بر نتایج اصلی نداشته است. جدول (۳)، تحلیل حساسیت نتایج به تغییر متغیر وابسته را نشان می‌دهد. متغیر وابسته در تمامی ستون‌ها میانگین شاخص اثربخشی دولت (۱۹۹۰-۲۰۰۰) است. در ستون (۱) اثر مستقیم منابع طبیعی برآورد شده که منفی و معنادار است. ضرایب مربوط به نظام‌های دیکتاتوری متمرکز و دموکراسی متمرکز منفی و معنادار است. ضریب نظام دیکتاتوری غیرمتمرکز معنادار نمی‌باشد. نتایج نشان می‌دهد اثربخشی دولت در نظام‌های غیرمتمرکز بهتر از متمرکز است. در ستون (۲)، با افزودن ضریب برهمکنش، ضریب مربوط به اثر مستقیم منابع طبیعی معنادار نمی‌باشد. ستون (۳) برآورد نتایج با افزودن همه متغیرهای برهمکنش را ارائه می‌دهد. ضریب برهمکنش منابع طبیعی با نظام دیکتاتوری متمرکز منفی و معنادار است. اما سایر ضرایب معنادار نمی‌باشد. نتایج بیانگر این است که حضور منابع طبیعی در نظام دیکتاتوری متمرکز اثر منفی این نوع نظام بر کیفیت نهادهای اقتصادی را تشدید کرده ولی در سایر نظام‌های سیاسی اثر تشدیدکننده‌ای نداشته است. ستون‌های (۴) تا (۶) تحلیل حساسیت نتایج نسبت به افزودن متغیرهای کنترل را ارائه می‌دهد. افزودن متغیرهای مجازی مرتبط با مستعمرات بریتانیا و فرانسه در ستون‌های (۴) و (۵) و افزودن متغیر درجه باز بودن اقتصاد در ستون (۶) منجر به تغییر نتایج اصلی نشده است. نتایج رگرسیون‌های جدول (۳) نشان می‌دهد با تغییر متغیر وابسته، نتایج اصلی پژوهش همچنان پایدار است.

جدول ۳. تحلیل حساسیت: تغییر متغیر وابسته

(۶)	(۵)	(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	
-3/806*** (0/806)	-4/031*** (0/761)	-4/018*** (0/716)	-3/787*** (0/630)	-3/915*** (0/609)	-3/843*** (0/608)	عرض از مبدا
0/686*** (0/098)	0/694*** (0/092)	0/692*** (0/087)	0/667*** (0/079)	0/678*** (0/077)	0/671*** (0/077)	درآمد سرانه
				-0/874 (0/519)	-1/205*** (0/446)	منابع طبیعی
-0/705*** (0/253)	-0/643*** (0/234)	-0/643** (0/232)	-0/702*** (0/215)	-0/642*** (0/202)	-0/756*** (0/180)	دیکتاتوری متمرکز

-0/696***	-0/636***	-0/637***	-0/686***	-0/644***	-0/646***	دموکراسی متمرکز
(0/208)	(0/198)	(0/196)	(0/182)	(0/156)	(0/157)	
-0/277	-0/385	-0/384	-0/403	-0/216	-0/132	دیکتاتوری غیرمتمرکز
(0/765)	(0/361)	(0/359)	(0/357)	(0/278)	(0/270)	
-1/674*	-2/099**	-2/083**	-2/060**	-1/206		دیکتاتوری متمرکز * منابع طبیعی
(0/954)	(0/897)	(0/841)	(0/838)	(0/969)		
-0/561	-1/184	-1/184	-1/037			دموکراسی متمرکز * منابع طبیعی
(1/059)	(0/964)	(0/958)	(0/932)			
-3/338	-0/535	-0/536	-0/469			دیکتاتوری غیرمتمرکز * منابع طبیعی
(17/682)	(0/754)	(0/750)	(0/741)			
-0/901	-1/787	-1/784	-1/678			دموکراسی غیرمتمرکز * منابع طبیعی
(1/376)	(1/232)	(1/224)	(1/211)			
0/116	0/094	0/091				بریتانیا
(0/155)	(0/144)	(0/132)				
0/047	0/009					فرانسه
(0/179)	(0/170)					
-0/432						درجه باز بودن اقتصاد
(0/299)						
92	99	99	99	99	99	مشاهدات
23/917***	28/119***	31/597***	35/695***	63/468***	57/086***	آماره F
0/767	0/762	0/762	0/760	0/805	0/754	آماره χ^2

یادداشت: متغیر وابسته در تمام رگرسیون ها میانگین شاخص اثربخشی دولت (۱۹۹۰-۲۰۰۰) است. خطاهای استاندارد مربوط به هر ضریب در داخل پرانتز ارائه شده است. *، **، *** به لحاظ آماری دلالت بر معناداری ضرایب به ترتیب در سطح ۱۰٪، ۵٪ و ۱٪ دارد.

منابع طبیعی: متمرکز یا غیرمتمرکز

برخی مطالعات در حوزه شومی منابع طبیعی توضیح می دهند که نوع منبع طبیعی می تواند بر عملکرد اقتصادی کشورها اثرگذار باشد (Sala-i-Martin & Subramanian, 2008: 64; Boschini & et al., 2013: 26). منابع طبیعی که دارای تمرکز جغرافیایی بالایی می باشند - مانند منابع معدنی، نفتی و گازی - این انگیزه را در ذی نفعان ایجاد می کنند تا با تصاحب این منابع بتوانند رانت بیشتری بدست آورند. به همین جهت، این امکان وجود دارد که نهادهای حامی حقوق مالکیت در کشورهای برخوردار از منابع متمرکز تضعیف شود. در کشورهای برخوردار از منابع متمرکز، دولت انگیزه دارد تا مالکیت خصوصی بر این منابع را نقض نماید و با شکل دهی انحصار بتواند بیشترین سهم از درآمدهای منابع متمرکز را بدست آورد. در نظام دیکتاتوری متمرکز، حضور منابع طبیعی متمرکز می تواند انگیزه های دیکتاتور در شکل دهی نهادهای اقتصادی مبتنی بر نقض حقوق مالکیت و نقض قراردادها را تشدید سازد. در مقابل، منابع طبیعی غیرمتمرکز - مانند منابع کشاورزی یا دریایی - بدلیل پراکندگی جغرافیایی انگیزه کمتری در ذی نفعان برای کسب رانت ایجاد می کنند. به همین جهت انگیزه کمتری برای نقض حقوق مالکیت خصوصی در این منابع وجود دارد. در این پژوهش، با هدف آزمون اثر نوع منبع طبیعی بر کیفیت نهادهای اقتصادی، منابع طبیعی به دو دسته منابع طبیعی متمرکز - شامل منابع معدنی، نفتی و گازی - و منابع طبیعی غیرمتمرکز - شامل منابع طبیعی کشاورزی، دریایی، جنگلی و ... - تقسیم بندی می شود. توصیف داده های مرتبط با این دو دسته در ردیف های (۵) و (۶) جدول (۱) ارائه شده است. جدول (۴) برآورد نتایج با استفاده از شاخص منابع طبیعی متمرکز را ارائه می دهد. در ستون اول، اثر مستقیم منابع طبیعی متمرکز منفی و معنادار است اما با افزودن متغیر برهمکنش با نظام دیکتاتوری متمرکز در ستون دوم، این ضریب دیگر معنادار نیست. در ستون سوم، ضریب برهمکنش منابع طبیعی متمرکز با دیکتاتوری متمرکز منفی و معنادار است اما سایر ضرایب برهمکنش معنادار نیست. ستون های چهارم تا ششم نشان می دهد افزودن متغیرهای کنترل منجر به تغییر نتایج اصلی نمی شود. بنابراین، منابع طبیعی متمرکز در نظام دیکتاتوری متمرکز اثر منفی بر کیفیت نهادهای اقتصادی داشته است اما در سایر نظام های سیاسی اثر معناداری نداشته است. برآورد نتایج با استفاده از شاخص منابع طبیعی غیرمتمرکز در جدول (۵) ارائه شده

است. در ستون اول، اثر مستقیم منابع غیرمتمرکز مثبت ولی معنادار نمی باشد. با افزودن متغیرهای برهم‌کنش در ستون دوم، ضریب برهم‌کنش منابع غیرمتمرکز با دموکراسی غیرمتمرکز مثبت و در سطح ۱۰ درصد معنادار است. افزودن متغیرهای کنترل در ستون های سوم تا پنجم منجر به تغییر نتایج پایه نمی شود. بنابراین، نتایج جدول (۵) بیانگر آن است که منابع طبیعی غیرمتمرکز اثر منفی بر کیفیت نهادهای اقتصادی نداشته است.

جدول ۴. منابع طبیعی متمرکز

(۶)	(۵)	(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	
-4/034*** (0/707)	-4/185*** (0/667)	-4/154*** (0/626)	-3/922*** (0/553)	-4/090*** (0/538)	-3/999*** (0/543)	عرض از مبدا
0/700*** (0/086)	0/704*** (0/081)	0/701*** (0/076)	0/676*** (0/069)	0/693*** (0/068)	0/683*** (0/069)	درآمد سرانه
				-0/549 (0/459)	-0/979** (0/400)	منابع طبیعی متمرکز
-0/619*** (0/217)	-0/563*** (0/200)	-0/564*** (0/198)	-0/626*** (0/182)	-0/559*** (0/174)	-0/689*** (0/161)	دیکتاتوری متمرکز
-0/738*** (0/175)	-0/700*** (0/166)	-0/702*** (0/164)	-0/752*** (0/152)	-0/717*** (0/137)	-0/721*** (0/139)	دموکراسی متمرکز
-0/179 (0/499)	-0/034 (0/311)	-0/032 (0/309)	-0/054 (0/307)	0/191 (0/247)	0/305 (0/242)	دیکتاتوری غیرمتمرکز
-1/864** (0/834)	-2/171*** (0/790)	-2/137*** (0/748)	-2/114*** (0/746)	-1/597** (0/864)		دیکتاتوری متمرکز * منابع طبیعی متمرکز
-0/705 (0/945)	-1/085 (0/877)	-1/083 (0/872)	-0/940 (0/852)			دموکراسی متمرکز * منابع طبیعی متمرکز
3/346 (12/163)	-0/032 (0/652)	-0/035 (0/648)	0/031 (0/641)			دیکتاتوری غیرمتمرکز * منابع طبیعی متمرکز
-1/008 (1/173)	-1/587 (1/064)	-1/583 (1/058)	-1/498 (1/050)			دموکراسی غیرمتمرکز * منابع طبیعی متمرکز
0/142 (0/135)	0/097 (0/123)	0/091 (0/114)				بریتانیا
0/056 (0/158)	0/021 (0/149)					فرانسه
-0/304 (0/245)						درجه باز بودن اقتصاد
92	99	99	99	99	99	مشاهدات
31/105***	37/834***	42/504***	47/932***	63/723***	73/865***	آماره F
0/810	0/811	0/811	0/810	0/806	0/799	آماره χ^2

یادداشت: متغیر وابسته در تمام رگرسیون ها میانگین شاخص حاکمیت قانون (۱۹۹۶-۲۰۰۰) است. خطاهای استاندارد مربوط به هر ضریب در داخل پرانتز ارائه شده است. *، **، *** به لحاظ آماری دلالت بر معناداری ضرایب به ترتیب در سطح ۱۰٪، ۵٪ و ۱٪ دارد.

جدول ۵. منابع طبیعی غیرمتمرکز

(۵)	(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	
-3/500*** (0/674)	-3/656*** (0/657)	-3/788*** (0/624)	-3/798*** (0/554)	-3/786*** (0/545)	عرض از مبدا
0/628*** (0/084)	0/618*** (0/081)	0/634*** (0/077)	0/635*** (0/070)	0/646*** (0/069)	درآمد سرانه
				3/500 (2/511)	منابع طبیعی غیرمتمرکز

-0/712*** (0/216)	-0/607*** (0/204)	-0/604*** (0/204)	-0/601*** (0/190)	-0/805*** (0/160)	دیکتاتوری متمرکز
-0/801*** (0/176)	-0/728*** (0/172)	-0/722*** (0/171)	-0/720*** (0/162)	-0/795*** (0/141)	دموکراسی متمرکز
0/188 (0/427)	0/156 (0/246)	0/145 (0/245)	0/145 (0/243)	0/009 (0/209)	دیکتاتوری غیرمتمرکز
-0/578 (5/604)	-3/280 (5/556)	-4/310 (5/313)	-4/309 (5/283)		دیکتاتوری متمرکز * منابع طبیعی غیرمتمرکز
5/347 (3/157)	4/279 (3/156)	4/342 (3/144)	4/332 (3/114)		دموکراسی متمرکز * منابع طبیعی غیرمتمرکز
-29/757 (45/728)	-10/901 (37/301)	-10/158 (37/164)	-10/094 (36/914)		دیکتاتوری غیرمتمرکز * منابع طبیعی غیرمتمرکز
13/051* (7/027)	13/500* (7/027)	13/235* (6/993)	13/208* (6/914)		دموکراسی غیرمتمرکز * منابع طبیعی غیرمتمرکز
0/071 (0/135)	-0/035 (0/124)	-0/004 (0/114)			بریتانیا
-0/025 (0/155)	-0/100 (0/152)				فرانسه
-0/520 (0/219)					درجه باز بودن اقتصاد
92	99	99	99	99	مشاهدات
31/452***	35/410***	39/549***	44/991***	70/090***	آماره F
0/812	0/801	0/800	0/800	0/790	آماره $\chi^2 R^2$

یادداشت: متغیر وابسته در تمام رگرسیون ها میانگین شاخص حاکمیت قانون (۱۹۹۶-۲۰۰۰) است. خطاهای استاندارد مربوط به هر ضریب در داخل پرانتز ارائه شده است. *، **، *** به لحاظ آماری دلالت بر معناداری ضرایب به ترتیب در سطح ۱۰٪، ۵٪ و ۱٪ دارد.

جمع بندی و توصیه های سیاستی

مشاهده رابطه منفی مابین کیفیت حکمرانی اقتصادی و میزان برخورداری از منابع طبیعی در مطالعات مختلف، مباحث گسترده ای را بین محققین در خصوص دلایل شکل گیری این پدیده شکل داده است. از میان دلایل مطرح شده در این خصوص، برخی مطالعات بر عواملی چون بیماری هلندی، ضعف سرمایه انسانی، ضعف سرمایه فیزیکی و رانت جوئی تاکید داشته اند. آنچه در این میان محل پرسش است اینکه برخی کشورها مانند نروژ، عمان و قطر علی رغم حضور منابع طبیعی توانسته اند کیفیت مناسبی از حکمرانی اقتصادی را شکل دهند. در مقابل، کشورهایی چون ونزوئلا، عراق دوره صدام، و ... در شکل دهی نهادهای حامی حقوق مالکیت بخش خصوصی موفق نبوده اند. برپایه چارچوب نظری ارائه شده در این پژوهش، نظام سیاسی متغیر کلیدی اثرگذار در شکل گیری پدیده شومی منابع معرفی شده است. کیفیت و مولفه های مرتبط با نوع نظام سیاسی است که ساز و کار اثرگذاری منابع طبیعی بر حکمرانی اقتصادی را مشخص می کند. نتایج تجربی نشان می دهد در نظام های دموکراسی، کیفیت دموکراسی عامل تعیین کننده در شکل دهی نهادهای اقتصادی حامی حقوق مالکیت، حاکمیت قانون و قراردادهای بوده است و حضور یا عدم حضور منابع طبیعی اثر معناداری بر عملکرد نهادهای اقتصادی این کشورها نداشته است. به گونه ای که کیفیت نهادهای اقتصادی در نظام های دموکراسی غیرمتمرکز که قدرت سیاسی بین بازیگران مختلف تقسیم شده، بهتر از نظام های دموکراسی متمرکز است که قدرت سیاسی در انحصار فرد یا گروه منتخب است. در نظام های دیکتاتوری متمرکز که قدرت سیاسی در انحصار یک فرد است، حضور منابع طبیعی منجر به تضعیف کیفیت نهادهای اقتصادی شده است. در این نظام ها، فرد حاکم به دلیل تمرکز بالای قدرت سیاسی و حضور در قدرت به مدت طولانی، امکان اتخاذ سیاست های دلخواهی در جهت منافع شخصی یا گروهی را دارد و حضور منابع طبیعی برای او، این بستر را فراهم می سازد تا بتواند با

استفاده از این منابع مالی، ناکارآمدی اقتصادی سیاست های خود را پوشش دهد. بنابراین، حضور منابع طبیعی در این نظام ها اثر منفی عملکرد فرد حاکم را تشدید کرده است. اما در نظام های دیکتاتوری غیرمتمرکز، مشابه دموکراسی ها، حضور منابع طبیعی اثر منفی معناداری بر عملکرد نهادهای اقتصادی نداشته است. بر مبنای نتایج، نوع منبع طبیعی در کنار نوع نظام سیاسی نیز در تضعیف کیفیت نهادهای اقتصادی موثر بوده است. حضور منابع طبیعی متمرکز که دارای تمرکز بالا از جهت جغرافیایی هستند، شامل منابع نفتی و معدنی، در نظام های دیکتاتوری متمرکز اثر منفی بر کیفیت نهادهای حامی حقوق مالکیت داشته است. در مقابل، حضور منابع طبیعی غیرمتمرکز که دارای تمرکز کمتری از جهت جغرافیایی هستند، شامل منابع کشاورزی، دریایی و جنگلی، اثر معناداری در این نظام ها نداشته است. نتایج بدست آمده از جهت سیاستی بر اهمیت مولفه تمرکز قدرت و اثر منفی آن بر کیفیت نهادهای اقتصادی تاکید دارد. توزیع قدرت در نظام دموکراسی غیرمتمرکز موجب شکل گیری نهادهای اقتصادی حامی حقوق مالکیت شده است. همچنین توزیع قدرت در نظام دیکتاتوری غیرمتمرکز سبب شده است تا منابع طبیعی اثر منفی بر کیفیت نهادهای اقتصادی نداشته باشد. بنابراین، می توان این توصیه سیاستی را مطرح ساخت که با توزیع قدرت بین بازیگران مختلف چه در نظام های دموکراسی و چه در نظام های دیکتاتوری کیفیت نهادهای اقتصادی را بهبود داد. این مقاله زمینه پژوهش های بیشتری را در خصوص برهمکنش متقابل منابع طبیعی و نظام سیاسی فراهم می سازد. تحلیل انگیزه های سیاستمدار در هر نوع نظام سیاسی از منظر تابع مطلوبیت ذهنی و اثر منابع طبیعی بر آن در کنار وابستگی متقابل ساختارهای سیاسی به درآمدهای منابع طبیعی در نظام های دیکتاتوری متمرکز از جمله محورهایی است که می تواند در ادامه این پژوهش مورد توجه محققین قرار گیرد.

References:

- 1- Acemoglu, D., Johnson, S., & Robinson, J. A. (۲۰۰۲). Reversal of fortune: Geography & institutions in the making of the modern world income distribution. *The Quarterly journal of economics*, ۱۱۷(۴), ۱۲۳۱-۱۲۹۴.
- 2- Acemoglu, D., & Robinson, J., (2012), "Why Nations Fail: The Origins of Power, Prosperity & Poverty", London, Profile.
- 3- Al-Sharekh, Alanoud, ed. (2007). *The Gulf Family: Kinship Policies & Modernity*. London Middle East Institute, SOAS Middle East Issues.
- 4- Andersen, J. J., & Aslaksen, S. (2008). Constitutions & the resource curse. *Journal of development economics*, 87(2), 227-246.
- 5- Andersen, J. J., & Aslaksen, S. (2013). Oil & political survival. *Journal of Development Economics*, 100(1), 89-106.
- 6- Auty, R. M., & Gelb, A. H. (2001). Political economy of resource-abundant states. *Resource abundance & economic development*, 126-44.
- 7- Baland, J. M., & Francois, P. (2000). Rent-seeking & resource booms. *Journal of development Economics*, 61(2), 527-542.
- 8- Bhattacharyya, S. (2009). Unbundled institutions, human capital & growth. *Journal of Comparative Economics*, 37(1), 106-120.
- 9- Bhattacharyya, S., & Hodler, R. (2010). Natural resources, democracy & corruption. *European Economic Review*, 54(4), 608-621.
- 10- Bjorvatn, K., & Selvik, K. (2008). Destructive competition: factionalism & rent-seeking in Iran. *World Development*, 36(11), 2314-2324.
- 11- Boschini, A., Pettersson, J., & Roine, J. (2013). The resource curse & its potential reversal. *World Development*, 43, 19-41.
- 12- Bulte, E. H., Damania, R., & Deacon, R. T. (2004). Resource abundance, poverty & development (No. 854-2016-56192).
- 13- Collier, P., & Hoeffler, A. (2009). Testing the neocon agenda: Democracy in resource-rich societies. *European Economic Review*, 53(3), 293-308.
- 14- Fiva, J. H., Folke, O., & Sørensen, R. J. (2018). The power of parties: evidence from close municipal elections in Norway. *The Scandinavian Journal of Economics*, 120(1), 3-30.
- 15- Gylfason, T. (2001). Natural resources, education, & economic development. *European economic review*, 45(4), 847-859.
- 16- Gylfason, T., & Zoega, G. (2006). Natural resources & economic growth: The role of investment. *The World Economy*, 29(8), 1091-1115.
- 17- Herb, M. (1999). *All in the family: absolutism, revolution, & democracy in Middle Eastern monarchies*. SUNY Press.
- 18- Hodler, R. (2006). The curse of natural resources in fractionalized countries. *European Economic Review*, 50(6), 1367-1386.
- 19- Karsh, E., & Rautsi, I. (2002). *Saddam Hussein: a political biography*. Grove Press.
- 20- Kudamatsu, Timothy Besley & Masayuki, & Timothy Besley. (2008). *Making Autocracy Work. Institutions & Economic Performance: 452-510*.
- 21- Le Billon, P. (2005). Corruption, reconstruction & oil governance in Iraq. *Third World Quarterly*, 26(4-5), 685-703.
- 22- Murphy, K. M., Shleifer, A., & Vishny, R. W. (1993). Why is rent-seeking so costly to growth?. *The American Economic Review*, 83(2), 409-414.
- 23- Persson, T. & G. Tabellini (2003), *The Economic Effects of Constitutions: What Do the Data Say?*, MIT Press, Cambridge MA.
- 24- Rodrik, D., Subramanian, A., & Trebbi, F. (2004). Institutions rule: the primacy of institutions over geography & integration in economic development. *Journal of economic growth*, 9(2), 131-165.
- 25- Sachs, J. D., & Warner, A. M. (2001). The curse of natural resources. *European economic review*, 45(4-6), 827-838.
- 26- Sala-i-Martin, X., & Subramanian, A. (2008). Addressing the natural resource curse: An illustration from Nigeria. In *Economic policy options for a prosperous Nigeria* (pp. 61-92). Palgrave Macmillan, London.
- 27- Wahman, M., Teorell, J., & Hadenius, A. (2013). Authoritarian regime types revisited: updated data in comparative perspective. *Contemporary Politics*, 19(1), 19-34.
- 28- Weisbrot, M., & Sandoval, L. (2007). *The Venezuelan economy in the Chávez years*. Center for Economic & Policy Research, 23, 2015.

پیوست: نوع نظام سیاسی کشورهای عضو نمونه در دهه ۱۹۷۰ میلادی

دموکراسی متمرکز	دیکتاتوری متمرکز	دموکراسی غیرمتمرکز	دیکتاتوری غیرمتمرکز
Argentina	Algeria	Australia	Bahrain
Bangladesh	Benin	Austria	Bhutan
Brazil	Bolivia	Barbados	Jordan
Burkina Faso	Burundi	Belgium	kuwait
Colombia	Cameroon	Canada	Morocco
Dominican Republic	Central African Rep.	Costa Rica	Nepal
El Salvador	Chad	cyprus	qatar
France	China	Denmark	Saudia Arabia
Gambia The	Congo Rep. Of	Fiji	Swaziland
Greece	Cote d'Ivoire	Finland	
Guatemala	Ecuador	Germany	
Guyana	Egypt	Iceland	
Indonesia	Gabon	India	
Iran	Ghana	Ireland	
Kenya	Guinea-Bissau	Israel	
Korea	Haiti	Italy	
Madagascar	Honduras	Jamaica	
Malaysia	Hungary	Japan	
Mexico	Malawi	Mauritius	
Nicaragua	Mali	Netherlands	
Pakistan	Mauritania	New Zealand	
Paraguay	Niger	Norway	
Philippines	Nigeria	South Africa	
Portugal	Panama	Spain	
Sierra Leone	Peru	Sri Lanka	
Syria	poland	Sweden	
Thailand	Romania	Switzerland	
Turkey	Senegal	Trinidad & Tobago	
Uruguay	Togo	United Kingdom	
Venezuela	Tunisia	United States	
Zambia	uganda		
	Zimbabwe		